

## کی، چگونه و با چی نام به (کا گ ب) در افغانستان خدمت کرد؟

"کا گ ب در افغانستان":

نام یک رساله پژوهشی و اکادمیک است که تحت نظر هشت پروفیسور از پوهنتون های مختلف امریکا و توسط مرکز جهانی ویدرو ولسن، برای دانشمندان تهیه و به چاپ رسیده است. این رساله تحقیقی بر مبنای یادداشت ها، اسناد و مدارکی که توسط واسیلی میتروخین یک کارمند ارشد اسبق (کا گ ب) که مسؤولیت آرشیف و نگهداری اسناد را در مرکز (کا گ ب) در مسکو به عهده داشته، تهیه شده است.

واسیلی میتروخین در سال ۱۹۹۲ با شش بکس اسناد محرم (کا گ ب) به لندن پناهنده شد و در سال ۱۹۹۹ کتابی را هم تحت عنوان "شمشیر و سپر: آرشیف میتروخین و تاریخ محرمانه کا گ ب" به چاپ رساند. لازم به تذکر است که آقای میتروخین در زمان فعالیتش در (کا گ ب) نیز یک کاپی از اسناد و معلومات های محرم را به سازمان های استخباراتی غربی می فرستاده که این مطلب را خود در کتابش اعتراف کرده است.

راز های افشا نشده ایرا میتوان در مورد عملکرد (کا گ ب) و اجنت های داخلی آن در افغانستان، از لابلای اوراق رساله "کا گ ب در افغانستان" بدست آورد. در این رساله آمده است که هر چند اتحاد شوروی سابق مدت ها قبل از وقوع کودتای سردار داود در سال ۱۹۷۳ و کودتای خونین خلق - پرچم در سال ۱۹۷۸، آگاهی داشته است ولی هیچگونه نقش فعال را در این کودتا ها نداشته است. همچنان به آغاز فعالیت (کا گ ب) در افغانستان از سالهای قبل اشاره شده و از تماس و همکاری وزیران محمد داود با (کا گ ب) پرده برداشته شده است. (کا گ ب) همانند سایر سازمان های استخباراتی کشورهای قدرتمند دنیا از دو شیوه فعالیت استخباراتی در افغانستان استفاده کرده است. اول اینکه تقریباً تمامی فعالیت هایش را از یک مرکز استخباراتی که در داخل سفارت شوروی سابق در کابل موجود بوده و "اقامتگاه" نامیده میشده است، انسجام و تحقق داده است. ثانیاً، استفاده از نماینده های (کا گ ب)، چه داخلی و چه هم شهروندان شوروی سابق که زیر نام مشاور تقریباً در همه ارگان های مهم دولتی موجود بوده و در بسا موارد مستقیم با مسکو در ارتباط بوده اند، می باشد. بدون شک که اجنت های داخلی (کا گ ب) نقش مهم و اساسی را در افغانستان بازی کرده اند و (کا گ ب) هم از هیچگونه فدا کاری در مقابل شان دریغ نکرده است. خوشبختانه اسناد آقای میتروخین تعدادی از این اجنت های افغانی (کا گ ب) را با نام های رمزی شان افشا کرده است.

یکی از نخستین کسانی که در خدمت (کا گ ب) در افغانستان استخدام شده است نور محمد تره کی است. تره کی با کود نام "نور" در سال ۱۹۵۱ در خدمت (کا گ ب) در آمده است و در جریان فعالیت هایش در (کا گ ب) با آقایان ساگادیف، کوزلوف، فیدوسیف، سپیریونوف، کوسترومین و پیتروف در ارتباط بوده است. تره کی در جریان فعالیتش توانسته است چندین اجنت تازه "افغانی" را به (کا گ ب) معرفی کند. کا گ ب هر چند گاه به تره کی به شکل بسیار مخفی آن که حتی دوستان نزدیک تره کی هم نمیتوانسته اند، آگاه شوند پول میپرداخته است. از سال ۱۹۵۱ تا وقوع کودتای خلق و پرچم، هر چند بار در یک سال، مبلغ پنجاه هزار افغانی، در داخل یک موتر که معمولاً ملاقات های تره کی با (کا گ ب) صورت میگرفته، به تره کی پرداخته شده است. بعد از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ نام رمزی تره کی به "دیدوف" تغییر یافته است.

ببرک کارمل با نام رمزی "مارید" با (کا گ ب) فعالیت میکرده است. کارمل که همیشه در رقابت حزبی با تره کی قرار داشته و همیشه فکر میکرده است که تره کی در نزد (کا گ ب) نسبت به او مهمتر و نزدیکتر است. "مارید" به کرات از تره کی به (کا گ ب) شکایت کرده و خواهان برکناری تره کی از رهبری حزب خلق شده است. بطور مثال بارها گفته است که او (کارمل) یگانه کمونست واقعی در افغانستان است و تره کی را با قاطعیت به رشوت خوری و ارتباط با امریکایی ها متهم کرده است. همچنان ادعا کرده است که تره کی چار صد هزار افغانی در پشتنی بانک ذخیره کرده است. (کا گ ب) ذیرکانه اختلافات بین کارمل و تره کی و دیگر اجنت های هوادار شانرا دامن زده و با تمامی اجنت های که به خلق و یا پرچم وابسته بوده اند، ماهرانه و جداگانه تماس هایش را حفظ کرده است. طبعاً، یکی از روش های سازمان های استخباراتی بزرگ دنیا ایجاد تفرقه و معامله جداگانه با اجنت های بومی شان میباشد که امروز هم از (سیا) تا (میت) سازمان استخباراتی ترکیه همه از این روش معمول در افغانستان پیروی میکنند.

اسم های افشا شده تعداد دیگر از اجنت های (کا گ ب) که اکثر شان در رده های بلند حزب دموکراتیک خلق قرار داشتند، با نام های رمزی شان قرار ذیل است:

- حفیظ الله امین با نام رمزی "کازم"
- رفیع با کود نام "نیروز"
- عبدالقادر با نام رمزی "عثمان"
- پس از زندانی شدن قادر و سلطان علی کشتمند توسط امین، مسؤول وقت (کا گ ب) در کابل به تره کی و امین اخطار داده است که مرگ قادر و کشتمند معادل با ختم زمامداری شان در افغانستان خواهد بود.
- محمود بریالی با کود نام "شیر"
- عبدالصمد اظهر با نام رمزی "فاتح" و یا "فتح"
- شاه محمد دوست با نام رمزی "پیرس"
- جیلانی باختری با نام رمزی "رکاس"
- دستگیر پنجشیری با کود نام "ریچارد"

در رساله "کا گ ب در افغانستان" آمده است که در نخستین روزهای بعد از اشغال افغانستان توسط قشون سرخ شوروی، دستگیر پنجشیری به حضور مشاور ارشد شوروی و ببرک کارمل فرا خوانده شد. کارمل با قهر به پنجشیری گفته است که "ما و رفقای کشور شوروی ترا به مثابه یک رفیق صادق و یک کمونست واقعی قبول کردیم و تو به منافع آنده از رفقای که با تو در شوروی صحبت کردند، خیانت کردی." پنجشیری گفت که "من با امین همفکر نبودم و در مورد صحبتی که با رفقای شوروی در مسکو داشتم، من فکر کردم که آن تلاشی برای افشا ساختن احساسات ضد امینی من است که بعد رفقای شوروی به امین اطلاع خواهند داد. اگر نیت واقعی رفقای شوروی را میدانستم طور دیگری عمل میکردم." اظهارات آقای پنجشیری نشان میدهد که هر چند هستند کسانی که به بادران شان در درازای آن همه خدمت، بی باور اند. ولی متأسفانه که نوکر خارجی بودن جاده ای یک طرفه را ماند که در آن تنها و تنها صاحب اصلی جاده یعنی بادر تغییر میخورد.

در میان اجنت های داخلی (کا گ ب) در افغانستان مهمترین شان سید محمد گلاب زوی بوده که با نام رمزی "مامد" به (کا گ ب) کار میکرده است. جریان انتقال گلابزوی، سروری و وطنجار به شوروی در زمان زمامداری امین که زیر نام عملیات "کمان رستم" صورت گرفت، در پنهانی و دقت کامل صورت گرفته است. (کا گ ب) از تمام امکاناتی که برای افراد بسیار مهم استفاده میکرد در این عملیات استفاده کرده است. (کا گ ب) از گلابزوی به مثابه یگانه کسی که در راه خدمت به شوروی پابندی به هیچ معیار داخلی ندارد، یاد کرده است. گلابزوی یا "مامد" سابق، تا هنوز توانسته است از اهمیت خاصی در نزد وارثین شوروی سابق برخوردار باشد.

همانطوریکه در اکثر سازمان های استخباراتی قدرتمند جهانی معمول است، زمانی که یک اجنت ولو که در هر درجه اهمیتی قرار داشته باشد، بعد از رسیدن به قدرت سیاسی، نظامی و یا دولتی، از اجنت بودن به "منبع معتبر" تبدیل میشود. دقیقاً بعد از کودتای ۱۹۷۸ میلادی اکثریت اجنت های دیروزی (کا گ ب) به "منابع معتبر" تبدیل شده اند و نهاد های استخباراتی افغانی تماماً تحت امر و کنترل (کا گ ب) در آمده است.

در رساله "کا گ ب در افغانستان" آمده است که (کا گ ب) با افراد و اشخاص معین از قشرهای مختلف طرفدار خط شوروی در افغانستان تماس برقرار کرده است. از این جمله یکی هم آقای اعظم رهنورد زریاب بوده که چند باری زیر نام نویسنده و روشنفکر با (کا گ ب) تماس داشته است. در اوایل اشغال افغانستان از طرف قشون سرخ، آقای زریاب در یک ملاقات به یک عضو (کا گ ب) گفته است که:

"به نظر مردم افغانستان این بهتر خواهد بود که قشون شوروی بعد از انجام دادن وظیفه شان و قبل از اینکه موجودیت شان احساسات ضدیت با شوروی را در بین مردم بر انگیزد، افغانستان را ترک گویند. روس ها ببرک کارمل را به قدرت رساندند. با در نظر داشت اینکه او چگونه به قدرت رسید، مردم در کابل میگویند که این خوب است که کارمل دوباره به قدرت برگشت. هر چند مثال های در این چند سال اخیر وجود دارد و نشان میدهد که انسان های خوب هم بعضاً رذیلانه و سادیست وار جرم کردند، ولی پرچی ها در مجموع انسان های نجیب و راستکار اند."

افشای حقایق تلخ و سیاه سه دهه جنگ و بدبختی در افغانستان که کودتای منحوس ثور آغاز گر آن بود، میتواند افشاگر چهره های پر طاووسی نسل خون و خیانت باشد که هنوز هم با پیشروی دست از گریبان مردم عذاب دیده ما بر نمیدارند. رساله "کا گ ب در افغانستان" میتواند سند دیگری باشد در دل تاریخ خونین و تاریک سه دهه اخیر کشور ما.

\*\*\*\*\*

ياداشت نگارنده: اين مطلب به مناسبت بيست و نهمين سالروز تجاوز خونين قشون سرخ شوروي سابق به کشور ما نوشته شده بود که بنا بر مصروفيت های دانشگاهی با کمی تاخير خدمت تان تقديم شد.  
رويکرد ها:

Mitrokhin, Vasilii. The KGB in Afghanistan: Cold War International History Project. Ed. Christian F. Ostermann and Odd Arne Westad. Washington D.C. 2002.  
<University of California, Berkeley>